

کار اجباری کودکان در خانه

بردگی مدرن

ترجمه: پیمان مجیدزاده

انتشار: سایت حق کودکی

<http://right-to-childhood.com>



کار اجباری کودکان در خانه بردگی مدرن

جانانان بلگبرو

مشاور مستقل و محقق ارشد مهمان، انستیتوی مطالعاتی برده‌داری و آزادی ویلبرفورس، دانشگاه هال، انگلستان

مجله‌ی کودکان و جامعه، ۲۰۰۸

ترجمه: پیمان مجیدزاده
انتشار: سایت حق کودکی

ارجاع: بلگبرو، جانانان. کار اجباری کودکان در خانه: بردگی مدرن. ترجمه‌ی مجیدزاده، پیمان. سایت حق کودکی، ۲۰۱۵

مقاله‌ی حاضر در مقیاس جهانی، به بررسی کار اجباری کودکان در خانه پرداخته و رابطه‌ی درهم‌تنیده‌ی بین کار و بردگی را تشریح می‌کند. این مقاله همچنین، عواقب [کار اجباری] برای گروه‌های آسیب‌پذیر کودکان کار را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین منظور، به رد این افسانه می‌پردازیم که کار اجباری کودکان در خانه نوع امنی از اشتغال دختران است (به ویژه دخترانی که همراه کارفرمایان خود زندگی می‌کنند) و می‌تواند مزایایی را برای بسیاری از این کودکان در پی داشته باشد. با این وجود، اگر فعالان این حوزه می‌خواهند به کودکان کارگر خانگی به طور مؤثری کمک کنند، نباید کارفرمایان را افرادی دیوسیرت ببینند، بلکه باید فرایند توانمندسازی کودکانی که به کار خانگی اشتغال دارند را تسهیل کنند تا این کودکان بتوانند از خود محافظت نمایند. در اصل، لازم است تغییراتی در نگرش جامعه نسبت به کار اجباری کودکان در خانه ایجاد شود تا پشتیبانی از این فرایند متوقف گردد. به منظور شفاف‌سازی باید گفت که منظور از «کودکان کارگر خانگی»، کودکان و افراد زیر ۱۸ سال مورد مطالعه در این مقاله بوده و منظور از «کار اجباری کودکان در خانه» (و گاهی نیز «خدمات خانگی»)، کاری است که این افراد انجام می‌دهند.

مقدمه

کار اجباری کودکان¹ در خانه یکی از گسترده‌ترین و استثمارآمیزترین انواع کار کودکان در جهان کنونی بوده و مقابله با آن بسیار دشوار است. دسترسی به کودکان کارگر خانگی² سخت است، زیرا از یک سو پشت درهای بسته‌ی خانه‌ی کارفرمایان خود هستند و از سوی دیگر جامعه، کار این کودکان را امری عادی تلقی می‌کند و به عقیده مردم انجام این کارها برای دختران لازم است و آن‌ها را برای زندگی آینده آماده می‌کند.

توجه به وضعیت کودکان کارگر خانگی در ۱۵ سال گذشته بسیار افزایش یافته است، اما کماکان توجه کشورهای درگیر با این مسئله اکثراً بر شرایط کاری کودکان (مانند نوع کارها و ساعات کاری آنان) است زیرا مشاهده و سنجش این عوامل آسان‌تر است و کمتر به وضعیتی توجه می‌شود که زمینه‌ی کار کودکان را فراهم آورده است. با این حال، پی بردن به شرایطی که باعث کار اجباری کودکان در خانه شده و آن‌ها را در این شرایط نگه می‌دارد، ما را یاری می‌کند تا نیازهای آنان را بهتر درک نماییم. شناخت شرایط مذکور از این جهت مهم است که این نوع سوءاستفاده از کودکان تا حد زیادی متأثر از شرایط زندگی و کار آنان است، نه خود کاری که انجام می‌دهند. در واقع، کار اجباری کودکان در خانه و بسیاری از ویژگی‌های عملی آن، مشابه بردگی است.

در این مقاله، عمدتاً آن دسته از کودکان کارگر را بررسی می‌کنیم که به همراه کارفرمایان خویش زندگی می‌کنند و برای مراقبت و تأمین نیازهای اصلی خود به شدت به آنان وابسته هستند. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا با استفاده از تجربیات نهاد بین‌المللی مبارزه با برده‌داری و چندین سازمان غیردولتی در کشورهای گوناگون، ماهیت و ویژگی‌های اصلی پدیده‌ی کار اجباری کودکان در خانه و رابطه‌ی آن با برده‌داری را (بر اساس استانداردهای حقوقی بین‌المللی) بررسی نماید. مقاله‌ی حاضر همچنین از تجربه و دیدگاه‌های بیش از ۴۰۰ کودک کارگر خانگی استفاده می‌کند. این تجربیات از مباحثات گروهی و مصاحبه‌هایی به دست آمده‌اند که در سال ۲۰۰۴ نهاد بین‌المللی مبارزه با برده‌داری و همکاران آن در کشورهای بنین، کاستاریکا، هند، نپال، پرو، فیلیپین، تانزانیا و توگو انجام داده‌اند (بلگ برو، ۲۰۰۸). با استفاده از این منابع، پیامدهای مهم کار اجباری کودکان در خانه را مورد بحث قرار می‌دهیم. همچنین، به بررسی این سؤال می‌پردازیم که چرا کودکان کارگر خانگی مورد این نوع سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. در پایان نیز مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و توصیه‌ها را ارائه می‌دهیم که برخی از آن‌ها اقدامات صورت گرفته تا کنون را به چالش می‌کشند.

کودکان کارگر خانگی چه کسانی هستند؟

کودکان کارگر خانگی به افراد کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود که در خانه‌ی افراد دیگر کار می‌کنند و فعالیت‌هایی از جمله کارهای سخت خانگی، مراقبت از کودکان، باغبانی، پیغام‌رسانی و کمک به کارفرمایان خود در اداره کسب و کارهای کوچک را انجام می‌دهند. بعضی از این کودکان در خانه‌ی کارفرمایان خود و بعضی به صورت جداگانه زندگی می‌کنند. برخی از آن‌ها در ازای انجام کار پول دریافت می‌کنند و برخی نیز برای غذا، سرپناه و دریافت مراقبت، این کارها را انجام

¹ در متن انگلیسی این مقاله کلمه‌ی her به عنوان مخفف his and her به کار رفته است، زیرا اکثر کودکان کارگر خانگی مورد اشاره در این مقاله دختر هستند.

² Child Domestic Workers (CDWs)

می‌دهند. هرچند که بسیاری از کودکان نیز هستند که در خانه‌های خود کارهای سنگینی انجام می‌دهند و شرایط آنان مشابه کودکان کارگر خانگی است، اما در مقاله‌ی حاضر به این دسته از کودکان نمی‌پردازیم. کودکان کارگر خانگی ممکن است برای اقوام و خویشاوندان یا برای افراد غریبه کار کنند. این امر باعث می‌شود که رابطه‌ی کودکان کارگر خانگی با خانواده‌ی کارفرما شفاف نباشد. زیرا [برای مثال] در این شرایط، کودک به کار مشغول است اما کودک کارگر به شمار نمی‌آید، و یا با اعضای خانواده زندگی می‌کند، اما به عنوان یک عضو خانواده با او رفتار نمی‌شود.

سطح فقر و همچنین سنت‌ها، تعیین کننده سنی هستند که یک کودک کارگر خانگی شروع به کار می‌کند. در مصاحبه‌هایی که در سال ۲۰۰۴ توسط نهاد بین‌المللی مبارزه با برده‌داری و شرکای این نهاد در هشت کشور با بیش از ۴۰۰ کودک کارگر خانگی انجام شد، بیشتر کودکان گفتند که کار را از سن ۱۲ سالگی آغاز کرده‌اند و در برخی مناطق از سنین بسیار پایین‌تر (بلغ‌برو، ۲۰۰۸). در هائیتی که خدمات خانگی یکی از بخش‌های مرسوم تربیت کودکان در خانواده‌های فقیر است، کودکان معمولاً از سن پنج سالگی آغاز به کار می‌کنند.

کودکان کارگر خانگی بیشتر دختر هستند. سازمان بین‌المللی کار^۳ تخمین زده است که دختران زیر ۱۶ سال، بیش از هر کار دیگری به خدمات خانگی مشغول هستند. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی از پسران زیر سن بلوغ و همچنین پسران بزرگتر نیز به عنوان کودکان کارگر خانگی کار می‌کنند. آمار موجود درباره‌ی شماری از کشورها نشان می‌دهد که تعداد کودکان کارگر خانگی در سطح جهان احتمالاً به میلیون‌ها نفر می‌رسد. به عنوان مثال، بر اساس تخمین‌های سازمان بین‌المللی کار، تنها ۳۰۰۰۰۰ کودک کارگر خانگی در بنگلادش، بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر در کنیا و بیش از نیم میلیون در برزیل زندگی می‌کنند (برنامه بین‌المللی حذف کار کودک^۴ - سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۴).

با وجود این که تعداد کودکان کارگر خانگی بسیار زیاد است، اما کماکان به دلیل باورهایی که پیرامون کار خانگی وجود دارد؛ توجهی به این کودکان نمی‌شود و از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در حاشیه گذاشته شده‌اند. در حالی که عموماً کار این کودکان نوعی اشتغال «امن» تلقی می‌شود، واقعیت این است که کار اجباری کودکان در خانه در بسیاری از موارد همراه با سوءاستفاده‌های گوناگون از جمله خشونت‌های فیزیکی، کلامی و جنسی است.

کودکان چرا و چگونه تبدیل به کودکان کارگر خانگی می‌شوند؟

کودکان بیشتر به دلیل فقر به کار خانگی روی می‌آورند، اما دلیل دیگر این است که در مورد دختران، خدمات خانگی عادی و البته سودمند تلقی می‌شود، زیرا این دختران قرار است روزی نقش همسر و مادر را ایفا کنند (بلک، ۲۰۰۲). باورهای غلط و سختی پیرامون این رویه وجود دارند که ادامه‌ی آن را تشویق می‌کنند. به طور مثال، والدین باور دارند که کار کردن دختر آن‌ها برای یک خانواده‌ی ثروتمند می‌تواند موقعیت‌هایی را برای دختر مذکور و نیز برای آن‌ها به دنبال داشته باشد. محدودیت‌های اجتماعی دختران سبب می‌شود که کار خانگی یکی از معدود کارهای مناسب برای آنان تلقی شود. همچنین، بسیاری عقیده دارند که کار خانگی آسان‌تر از کارهای دیگر است و محیط مناسبی را برای دختران و کودکان فراهم می‌آورد. کارفرمایان کودکان کارگر خانگی، به هیچ عنوان کار خود را بهره‌کشی از کودکان نمی‌دانند.

^۳. ILO: International Labour Organisation

^۴. IPEC: International Program on the Elimination of Child labour

بینند، بلکه تصور می‌کنند که به کودکان و خانواده‌های آن‌ها کمک می‌کنند. کارفرمایان در بسیاری از موارد عقیده دارند که با این کودکان به عنوان «عضوی از خانواده‌ی خود» رفتار می‌کنند. دختران همچنین ممکن است با خواست خود به ارائه‌ی خدمات خانگی مشغول شوند، زیرا این کار می‌تواند تنها راه آن‌ها برای ادامه تحصیل باشد (بلک، ۲۰۰۵).

کودکان کارگر خانگی از عوامل مختلفی که سبب ورود آن‌ها به این حیطه شده است، سخن گفته‌اند (بلگ‌برو، ۲۰۰۸). نیاز به تأمین معاش و کمک به خانواده در اثر فقر، مهم‌ترین دلیل ورود کودکان به عرصه‌ی خدمات خانگی بوده است. در هند تعدادی از کودکان برای این کار می‌کردند که بتوانند اقساط وام را بدهند. در پرو و فیلیپین، کودکان بزرگتر در مورد این صحبت می‌کردند که می‌خواهند در شهر به دنبال کار بگردند تا بتوانند به تحصیل‌شان ادامه دهند. یک چهارم کودکان کارگر خانگی در تانزانیا بیان کرده‌اند که مجبور به این کار شده‌اند، زیرا اعضای خانواده آن‌ها در اثر بیماری ایدز جان خود را از دست داده‌اند و آن‌ها خویشاوندان قابل‌اعتمادی نداشته‌اند که مراقبشان باشد. در اغلب موارد، مشکلات خانوادگی، روند کشیده شدن کودکان به حیطه کار خانگی را تسریع می‌کنند. جدایی، سوءاستفاده‌های فیزیکی و جنسی در خانواده، در کنار مشکلاتی مانند اعتیاد به الکل را می‌توان از جمله عوامل مهم به شمار آورد. چندین کودک در هند، اعتیاد به الکل را عامل ترک خانواده و رفتن به سوی خدمات خانگی بیان کردند.

گاهی نیز کودکان توسط دوستان یا برادر و خواهر خود که در این بخش کار می‌کنند، وارد خدمات خانگی می‌شوند زیرا کارفرمایان به کارگران جوان‌تر نیاز دارند. طبق اظهارت کودکان نپال، ادامه دادن کار در این حوزه، بعد از سن قانونی کار یعنی ۱۴ سال برای آن‌ها دشوار بوده است، زیرا کارفرمایان معتقد هستند که کودکان بزرگتر دشواری‌های بیشتری دارند و همچنین می‌توانند برای دریافت دستمزد بیشتر و سایر حقوق خود چانه‌زنی کنند.

در بسیاری از کشورها، نخستین کار کودکان معمولاً در خانه‌ی یکی از خویشاوندان است و معمولاً مادران این کودکان نقش مهمی را در ورود آن‌ها به این حیطه بازی می‌کنند. سایر اعضای خانواده مانند برادران و خواهران بزرگتر که بیشتر مشغول این کار شده‌اند نیز می‌توانند کودکان را تشویق به ورود به این حیطه کنند (مثلاً از طریق صحبت کردن با آن‌ها درباره موقعیت‌های کاری یا کمک کردن به آن‌ها در راستای یافتن کار). در برخی از موارد نیز کودکان، خود به دنبال کار و زندگی در خانه‌ی دیگران می‌گردند تا بتوانند تحصیلات خود را ادامه دهند، زیرا در صورتی که در خانه بمانند امکان ادامه تحصیل ندارند. گاهی نیز کودکان به دنبال کار در خانه دیگران می‌گردند تا از خانواده‌ی خود دور شوند یا صرفاً کسب درآمد کنند.

کار اجباری کودکان در خانه و بردگی

متخصصین در حوزه‌ی برده‌داری، به طرق مختلف به بررسی پدیده‌ی کار اجباری کودکان در خانه در ۱۰۰ سال گذشته پرداخته‌اند. مثلاً در سال ۱۹۲۵ کمیسیون موقتی برده‌داری جامعه ملل، انتقال کودکان برای ارائه‌ی خدمات خانگی به بهانه‌ی بزرگ کردن و پذیرفتن سرپرستی آنان را به عنوان «خرید و فروش برده» محکوم کرد (میرز، ۲۰۰۳). یافته‌های این کمیسیون مبنایی بود برای کنوانسیون برده‌داری جامعه ملل در سال ۱۹۲۶، که بردگی را بدین صورت تعریف کرد: «وضعیت یا شرایط فردی که تمام یا بخشی از قدرت‌های ناشی از حقوق مالکیت در خصوص وی اعمال می‌شوند» [ماده

(۱۱). این کنوانسیون خواستار «لغو تمام انواع برده‌داری» شد [ماده ۲(ب)]. بنابراین، می‌توان گفت که کنوانسیون برده‌داری سال ۱۹۲۶ تعریف برده‌داری را بسط داده است تا اعمالی با ماهیت و تأثیرات مشابه را هم شامل شود. از جمله‌ی این اعمال می‌توان به کار اجباری، بیگاری و قاچاق انسان اشاره کرد (کای، ۲۰۰۰). بر اساس این کنوانسیون، مفاهیم و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری دیگری نیز ارائه شده‌اند که هم در تعریف و هم در تفسیر، کار اجباری کودکان در خانه را نوعی از برده‌داری مدرن نامیده‌اند.

کار اجباری کودکان در خانه به عنوان گونه‌ای از کار اجباری

سازمان بین‌المللی کار، نخستین سازمان بین‌المللی‌ای بود که پدیده‌ی کار اجباری را به طور دقیق مورد بررسی قرار داد. تلاش‌های این سازمان با تصویب کنوانسیون شماره ۲۹ سال ۱۹۳۰ به اوج خود رسید؛ کنوانسیونی که توسط کشورهای زیادی به امضا رسید. بر اساس مفاد کنوانسیون ۲۹، کار اجباری عبارت است از «تمام انواع کار و خدماتی که به عنوان جریمه از کسی طلب شود و فرد مذکور به طور داوطلبانه برای آن اقدام نکرده باشد».

در سال ۱۹۹۳، کمیته‌ی تخصصی مشاوره و اجرای کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (جلسه ۸۰ام) وضعیت کودکانی که به عنوان کارگر خانگی فعالیت می‌کردند را بررسی کرد. در این بررسی از اطلاعاتی که از کودکان «خانگی» در هائیتی گردآوری شده بود، استفاده شد. در این کشور، کودکانی که اکثر آن‌ها را دختران مناطق تهی‌دست روستایی تشکیل می‌دهند، توسط والدین و خویشاوندان خود به خانواده‌های دیگر فروخته می‌شوند تا برای آن‌ها کار کنند. مکان و شرایط این کودکان معمولاً چندان مشخص نیست و راه مؤثری نیز برای آگاه شدن از وضعیت و عاقبت آنان وجود ندارد. تماس بین کودک مستخدم و والدینش قطع و در نتیجه کودک کاملاً به خانواده کارفرمای خود وابسته می‌شود. این وابستگی سبب بالا رفتن آسیب‌پذیری کودکان می‌شود و آنان را در معرض سوءاستفاده‌های دیگر نیز قرار می‌دهد.

کمیته‌ی تخصصی سازمان بین‌المللی کار در گزارش خود در سال ۱۹۹۳، توضیحاتی در خصوص کودکان مستخدم در رابطه با کنوانسیون شماره ۲۹ ارائه کرده است. این کمیته، جدایی کودکان از خانه و خانواده‌ی خود را عاملی برای افزایش خطر سوءاستفاده‌های فیزیکی و جنسی، ساعات کار طولانی، شرایط کار دشوار و توهین‌هایی دانست که کودکان باید [بالاجبار] تحمل کنند. کمیته‌ی مذکور همچنین نکاتی را در مورد وابستگی کودکان مستخدم به خانواده‌ی کارفرمای خود و فقدان آزادی عمل و جابه‌جایی آنها ارائه کرد. علاوه بر این، کمیته‌ی تخصصی بیان داشت که نظر کودکان درباره‌ی کاری که انجام می‌دهند پرسیده نمی‌شود و کودکان به کار گرفته شده اغلب آنقدر هنگام ترک خانه کم سن و سال هستند که حتی اگر امکان بازگشت به خانه را هم داشته باشند، نمی‌دانند چگونه و از کدام مسیر باید برگردند. بنا به نظر کمیته، کودکان خانگی در شرایطی مشاهده شده‌اند که «وضعیت آن‌ها تفاوت چندانی با بردگی نداشته است. این کودکان ناچار بودند مدت زیادی کار کنند، بدون این که امکان بهبود شرایط خود را داشته باشند. بر اساس گزارشات، بسیاری از این کودکان مورد آزار فیزیکی و جنسی قرار گرفته بودند». به گفته‌ی کمیته تخصصی، تنها راهی که برای بسیاری از این کودکان مستخدم وجود دارد این است که فرار کنند. این امر در بسیاری از موارد رخ داده و کودکان «زندگی بدون غذا و سرپناه را به بردگی و سوءاستفاده ترجیح داده‌اند. وضعیت کودکان خانگی در هائیتی بسیار شبیه بردگی است».

کمیته تخصصی سازمان بین‌المللی کار، شرایط کودکان خانگی را از جنبه‌های زیر، مشابه شرایط کار اجباری می‌داند:

- از کودکان پرسیده نمی‌شود که آیا تمایلی به انجام کار دارند یا خیر. نظر کودکان در این خصوص پرسیده نمی‌شود و هیچ اندیشه‌ای نیز در خصوص وضعیت رفاه آنان صورت نمی‌گیرد. منفعت خانواده‌ی کارفرما بر منفعت کودکان اولویت دارد.
- کودکان، کاملاً وابسته به کارفرمایان خود هستند و در معرض سوءاستفاده‌های آن‌ها قرار دارند. کودکان برای تأمین موارد ضروری و نیازهای اولیه خود محتاج خانواده‌ی کارفرما هستند. حتی اگر ثابت شود که فردی از خانواده کارفرما نسبت به کودکان خشونت به خرج داده یا از آن‌ها سوءاستفاده کرده است، کودکان نمی‌توانند هیچ دفاعی از خود کنند.
- کودکان به هیچ عنوان حق جابه‌جایی و آزادی عمل ندارند. هرگونه تلاش برای فرار از خانه با تنبیه و ضرب و شتم مواجه می‌شود. کارفرما حق دارد کودک را از خانه بیرون کند، اما کودک حق ترک خانه را ندارد.

کار اجباری کودکان در خانه به عنوان برده‌داری

کنوانسیون تکمیلی سازمان ملل متحد در زمینه‌ی لغو برده‌داری، خرید و فروش برده، و اقدامات و رسومات مشابه برده‌داری (۱۹۵۶)، نسبت به سایر اعلامیه‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد، جزئیات بیشتری را درباره‌ی آنچه که باید به عنوان «برده‌داری کودکان» ممنوع شود، در بر می‌گیرد. دغدغه‌های مدنظر این کنوانسیون در ماده‌ی ۱(ت) آن آمده‌اند، که برده‌داری کودکان را به این ترتیب تعریف می‌کند: «هرگونه اقدام یا فعالیتی که در آن کودکان زیر سن ۱۸ سال، توسط والدین یا قیم خود، چه به عنوان پاداش و چه غیر آن، به فرد دیگری سپرده شوند تا از کودک/فرد جوان و یا از نیروی کار وی بهره‌برداری شود».

ماده‌ی ۱(ت) این کنوانسیون بر موارد زیادی دلالت می‌کند و مسائلی مانند کودکانی که خارج از خانه زندگی می‌کنند، چه این کودکان به ازای کار خود پولی دریافت کنند یا نکنند را مطرح می‌کند. یکی از دغدغه‌های مهم، وابستگی کامل کودک به کارفرما برای تأمین رفاه و سلامتی خود است. مباحثاتی که در جریان نگارش این کنوانسیون تکمیلی صورت گرفت، شاخصه‌های بارزی از اعمالی را آشکار ساخت که کنوانسیون قصد ممنوع کردنشان را داشت. برای مثال، می‌توان به نمونه‌های مختلف "موی سای"^۵ اشاره کرد که در چین مشاهده می‌شود و معنای تحت‌اللفظی آن «خواهر کوچک» است. در این عمل، کودکان کم سن و سال که معمولاً دختر هستند، توسط والدین یا قیمین خود به بهانه‌ی سرپرستی اما به عنوان خدمتکار خانگی به خانواده‌های دیگر تحویل داده می‌شوند (میرز، ۲۰۰۳). در سال ۱۹۳۸، کمیته‌ی مشاوره‌ی تخصصی جامعه‌ی ملل در زمینه‌ی برده‌داری، سیستم "موی سای" را به این صورت تشریح کرد:

در این سیستم، دختران کم سن و سال توسط والدین خود به افراد دیگر تحویل داده می‌شوند تا در خانه آن‌ها کار کنند تا زمانی که به سن ازدواج برسند. در بسیاری از موارد، مبلغی پول در ازای این جابه‌جایی [به والدین] داده می‌شود. گاهی اوقات نیز کودکان به عنوان یک هدیه، و به صورت رایگان تحویل داده می‌شوند. در برخی

⁵. Mui Tsai

موارد یک واسطه نیز در این میان ایفای نقش می‌کند. گاهی اوقات کودک به وضوح فروخته می‌شود و در برخی موارد نیز طرفین، پول رد و بدل شده را به عنوان هزینه خدمات خانگی کودک در نظر می‌گیرند.

هر چند که سیستم "موی سای"، به ظاهر نوعی سرپرستی نشان داده می‌شود، اما در عمل شباهت‌های زیادی با وضعیت کودکان کارگر خانگی در زمان حاضر دارد. به عنوان مثال، در گزارشی که نهاد بین‌المللی مبارزه با برده‌داری در سال ۱۹۹۳ به کارگروه انواع معاصر برده‌داری وابسته به کمیسیون فرعی ملل متحد در زمینه مبارزه با تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها ارائه کرد، آمده است که در غرب آفریقا، دختران نواحی روستایی به عنوان خدمتگزار به خانواده‌های شهری داده می‌شوند و تا سال‌ها با آن‌ها زندگی کنند. والدین ممکن است کودکان خود را در ازای دریافت پول یا به صورت رایگان در اختیار خانواده‌های شهری قرار دهند. این کار، گاه به صورت مستقیم و گاه از طریق افراد واسطه انجام می‌شود. در برخی موارد دختران، پنج سال یا حتی کمتر سن دارند و ممکن است تا بزرگسالی و سن ازدواج در خانه کارفرمای خود بمانند.

شباهت‌های زیادی بین "موی سای" در اوایل قرن بیستم و شرایط کودکان کارگر خانگی کنونی وجود دارد. این شباهت‌ها را می‌توان به این ترتیب دسته‌بندی کرد:

- والدین یا قیم کودک، کنترل وی را به فرد دیگری «می‌سپارند» (این امر در تمام موارد اتفاق می‌افتد، چه کودک فروخته شده باشد، چه برای «مراقبت» تحویل داده شده باشد، یا به عنوان بخشی از بدهی ارائه شده باشد). بنابراین، کودک در اختیار فردی قرار می‌گیرد که دغدغه‌ی اول وی سلامت و رفاه کودک نیست.
- کودک به دور از خانه و خانواده خود کار و زندگی می‌کند. این امر سبب می‌شود که نظارت والدین بر سلامت وی کاهش یابد و وابستگی او به کارفرمای خود بیشتر شود. کودک، آزادی عمل اندکی دارد. وی برای تأمین سلامت و نیازهای اولیه خود به کارفرما وابسته است [همه کودکان این شرایط را ندارند، برخی با خانواده خود و برخی نیز با کودکان دیگر، جدا از کارفرما زندگی می‌کنند].
- کودک اغلب به خاطر کاری که انجام می‌دهد پولی را به صورت مستقیم دریافت نمی‌کند. ممکن است دستمزد او به والدینش داده شود، به عنوان بخشی از بدهی به والدین یا واسطه‌ها پرداخت شود، یا این که اصلاً پولی در کار نباشد و غذا و محل سکونت به عنوان دستمزد کافی در نظر گرفته شود. ممکن است کارفرما دستمزد کودک را پیش خود نگه دارد، آن را به بهانه‌های مختلف از جمله عدم رسیدن کودک به سن قانونی پرداخت نکند، به کودک اجازه دسترسی به پول خود را ندهد، و بدین ترتیب کودک را وابسته به خود نگه دارد.

کار اجباری کودکان در خانه و قاچاق انسان

هر چند ممکن است کارفرمایان به طور مستقیم نزد والدین کودک یا خود وی بروند، اما این کار عمدتاً توسط واسطه‌ها انجام می‌شود. واسطه‌ها معمولاً در جامعه‌ای که کودکان را از آن انتخاب می‌کنند، شناخته شده هستند. این افراد معمولاً تاجران یا فروشندگان محلی هستند که هم با محیط مبدأ و هم مقصد ارتباط دارند. اما این احتمال نیز وجود دارد که واسطه‌ها از بنگاه‌های کاریابی، دوستان یا حتی اعضای خانواده باشند. مثلاً در غرب آفریقا زنانی که به آن‌ها «خاله»

می‌گویند، کودکان را برای کار، از نواحی روستایی به خانواده‌های شهری در کشور خود و یا حتی کشورهای همسایه می‌دهند (این زنان ممکن است واقعاً از خویشاوندان باشند یا چنین نباشد). واسطه‌ها معمولاً کودکان یا والدین آن‌ها را فریب می‌دهند، مثلاً درباره‌ی شرایط کار، موقعیت‌های تحصیلی و زندگی کودکان به آن‌ها وعده‌های دروغین می‌دهند. بدین ترتیب، نحوه‌ی ورود بسیاری از کودکان به حیطه‌ی خدمات خانگی را می‌توان از لحاظ قانونی قاچاق انسان نامید.

تعریف قانونی و بین‌المللی قاچاق انسان از «پروتکل پیشگیری، توقف، و مجازات قاچاق افراد، به ویژه زنان و کودکان» گرفته شده است که متمم کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی سال ۲۰۰۰ به شمار می‌آید.^۶ با این حال، بدون این که افراد خردسال (افراد زیر ۱۸ سال) فریب داده شوند نیز این فرایند قاچاق انسان به شمار می‌آید. بنابراین به ساده‌ترین شکل می‌توان گفت که قاچاق کودکان عبارت است از فرایند استخدام یا انتقال کودکان به منظور بهره‌گیری از آن‌ها.

قاچاق کودکان ممکن است در یک کشور، بین چند کشور، یا بین چند منطقه صورت گیرد. در این فرایند ممکن است افراد زیادی با یکدیگر همکاری کنند. با این که قاچاق کودکان الگوهای متفاوتی دارد، اما در اغلب موارد کودکان نواحی تهی‌دست روستایی به نواحی شهری و یا کودکان کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند همسایه یا کشورهای ثروتمند دوردست قاچاق می‌شوند. گاهی اوقات خود کودکان یا خانواده‌های آن‌ها فرایند مهاجرت را آغاز می‌کنند و نزد واسطه‌ها می‌روند. هرچند که ممکن است این کودکان بدانند چه کاری قرار است انجام دهند، اما معمولاً از دشواری‌هایی که در انتظار آن‌ها است آگاه نیستند (برنامه بین‌المللی حذف کار کودک - سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۰). کودک قاچاق شده برای تأمین نیازهای خود، به ویژه در فرایند انتقال، به طور کامل به فرد قاچاق کننده وابسته خواهد بود. پس از عبور غیرقانونی از مرز، که خود نوعی قاچاق است، دشواری‌های دیگری نیز در انتظار کودکان خواهد بود. نام کودک قاچاق شده در جایی ثبت نشده است و احتمالاً زبان محلی مقصد را نیز بلد نیست.

به طور کلی می‌توان گفت که کار اجباری کودکان در خانه، واجد بسیاری از ویژگی‌های برده‌داری است، و کودک از اساسی‌ترین حقوق خود محروم می‌شود. این فرایند سبب می‌شود که کودک دسترسی خود به خانواده را از دست بدهد و به طور کامل به کارفرمای خود وابسته شود. مساله تنها سن پایین کودکان برای کار یا تصمیم‌گیری نیست، بلکه اصولاً امکان تصمیم‌گیری از آنها گرفته می‌شود (آ اس آی، ۱۹۹۷).

عواقب کار اجباری کودکان در خانه

چرا کودکان کارگر خانگی مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده قرار می‌گیرند؟

بین کودکان کارگر خانگی و کارفرمایان آن‌ها [به دلایل عدیده] نابرابری قدرت چشمگیری وجود دارد. در وهله‌ی اول، کودک کم‌سن‌وسال و احتمالاً دختر است؛ بسیار دور از خانه به سر می‌برد؛ شبکه‌ی حمایتی ندارد یا از حمایت اندکی برخوردار است؛ درآمد خانواده‌ی او به احتمال زیاد بسیار کمتر از خانواده‌ی کارفرما است؛ ممکن است کودک متعلق به اقلیت‌های قومی بوده (که موقعیت فرودستی دارند) و [یا] از طبقات اجتماعی پایین‌تر بیاید؛ ممکن است قاچاق شده

^۶. به بخش دوم این مجله نوشته ون دگلیند و کویرمنز مراجعه کنید.

باشد؛ و با محیط خود بیگانه باشد و آشنایی نداشته باشد (بلگ برو، ۱۹۹۵).

مطابق با اظهارات کودکان کارگر خانگی، تبعیض روزمره و انزوای آن‌ها در منزل کارفرما، سخت‌ترین بخش کاری است که انجام می‌دهند. حتی اگر رابطه‌ی این کودکان با اعضای خانواده‌ی کارفرما خوب باشد، این روابط بر مبنای برابری نیستند (یونیسف-مرکز بین‌المللی رشد کودکان⁷، ۱۹۹۹). یکی از بارزترین مصادیق تبعیض مذکور این است که کودکان کارفرما به مدرسه می‌روند، اما کودکان کارگر خانگی نمی‌توانند ادامه‌ی تحصیل بدهند. این کودکان معمولاً جدا از خانواده‌ی کارفرما غذا می‌خورند و کیفیت غذای آن‌ها پایین‌تر است. هر چند که کودکان کارگر خانگی گاهی در اتاق کودکان کارفرما می‌خوابند، اما به همان اندازه ممکن است مجبور به خواب در آشپزخانه یا بالکن باشند (بلگ برو، ۲۰۰۸).

چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، کنترل این کودکان به طور کامل در اختیار کارفرما قرار می‌گیرد، زیرا در خانه‌ی وی زندگی می‌کنند. کودکان کارگر خانگی آزادی جابه‌جایی اندکی دارند. آن‌ها در خانه‌ی کارفرما زندگی می‌کنند و باید از قوانین وی تبعیت نمایند. آن‌ها برای تأمین نیازهای اولیه خود وابسته به کارفرما هستند. معمولاً به کودکان کارگر خانگی گفته می‌شود که خانه را ترک نکنند. کارفرما کودکان را تهدید می‌کند که در صورت خروج از خانه خطراتی در کمین آن‌ها است. ممکن است کودکان کارگر خانگی حتی پول لازم برای ترک خانه را نیز نداشته باشند (حتی در صورتی که پول دریافت کنند نیز ممکن است قدرت مدیریت آن را نداشته باشند یا پول پرداخت‌شده ناچیز باشد و برای فرار از خانه کفایت نکند). در حالی که هدف اکثر کارفرمایان از انتخاب کودکان، اعمال خشونت بر آنان نیست، تحقیقات انجام شده در بسیاری از نواحی نشان می‌دهد که برخی کارفرمایان، کودکان را به بزرگسالان ترجیح می‌دهد، زیرا کودکان «فرمان‌بردارتر» هستند (بلگ برو، ۲۰۰۳).

ممکن است کارفرمایان که جای والدین کودک را گرفته‌اند، خود را مجاز به تنبیه بدنی وی بدانند، به خصوص [در شرایطی که] تعامل میان کودک و کارفرما در فضای خصوصی روی می‌دهد. در جوامعی که تنبیه فیزیکی کودکان معمول و پذیرفته شده است، کارفرمایان خود را به عنوان قیم مجاز می‌دانند که کودک را «به قصد حفاظت از وی» کتک بزنند. علاوه بر این، رابطه‌ی نامعلوم کودکان کارگر خانگی با خانواده‌ی کارفرما آن‌ها را در یک خلأ قانونی قرار می‌دهد. در واقع آن‌ها نه کارگر هستند و نه یک عضو خانواده.

خشونت علیه کودکان کارگر خانگی

انزوای کودکان در کنار نقش نامعلوم آن‌ها در خانه‌ی کارفرما باعث می‌شود که در معرض سوءاستفاده‌ی فیزیکی، زبانی و جنسی قرار بگیرند. اگر خشونت رخ دهد، وابستگی کودکان به کارفرما و پذیرش خشونت به عنوان یکی از دشواری‌های شغلی سبب می‌شود که آن را گزارش نکنند.

شبهات‌های زیادی در خصوص بروز خشونت بر علیه کودکان کارگر خانگی و دامنه‌ی این خشونت‌ها وجود دارد، هرچند

7. UNICEF-ICDC: The United Nations Children's Fund - International Child Development Centre

بسته به موقعیت جغرافیایی، تفاوت‌هایی نیز در بروز این رفتارهای خشونت‌آمیز دیده می‌شود. به طور مثال، تحقیقات نشان داده‌اند که در برخی کشورها، دختران، بیشتر مورد خشونت زبانی و پسران بیشتر مورد خشونت فیزیکی قرار می‌گیرند (بلگ‌برو، ۲۰۰۸). عموماً کودکان کارگر خانگی خشونت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. خشونت زبانی شامل لحن تحقیرآمیز، توهین، تهدید، ناسزا، و داد و فریاد بر سر کودکان می‌شود. انواع مختلفی از خشونت‌های فیزیکی علیه کودکان کارگر خانگی گزارش شده‌اند که از آن جمله می‌توان به کتک زدن، لگد زدن، شلاق زدن، نیشگون گرفتن، سوزاندن، تحمیل کار زیاد و گرسنه نگه داشتن کودکان اشاره کرد.

القابی که برای کودکان کار خانگی در نظر گرفته می‌شود، از مهم‌ترین عواملی است که سبب پایین آمدن عزت نفس آن‌ها می‌شود. عبارت مستخدم^۸ «خانگی» که در هائیتی به این کودکان گفته می‌شود، عبارتی توهین‌آمیز محسوب می‌شود که به کودکان ناخواسته یا بدون مادر اطلاق می‌شود و اغلب در مورد کودکانی که زندگی و شخصیت مستقلی ندارند، استفاده می‌شود. برخی کارفرمایان در کشورهایمانند نپال، به طور معمول نام کودکان کارگر خانگی را عوض می‌کنند (کاماچو و همکاران وی، ۱۹۹۷). در فیلیپین، کلمه "کاتولانگ"^۹ که معمولاً در مورد کودکان کارگر خانگی به کار برده می‌شود، معنایی توهین‌آمیز و تقریباً مشابه «خدمتکار» دارد (بلگ‌برو، ۲۰۰۳).

خشونت جنسی نسبت به کودکان کارگر خانگی که حاصل انزوا و آسیب‌پذیری آن‌هاست، امری تقریباً شایع است. برای مثال، دختران خدمتکار خانگی در هائیتی گاهی "لپوسا"^{۱۰} نامیده می‌شوند که یک کلمه در زبان کریول^{۱۱} [محل] و به معنای «فلان کاره» است. این دختران به عنوان وسیله‌ای برای ارضای خواسته‌های جنسی پسران و مردان خانه در نظر گرفته می‌شوند (ائتلاف ملی حقوق هائیتی، ۲۰۰۲). بنا به گزارشات، بیشتر از یک چهارم دخترانی که در دارالسلام (تانزانیا) مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند، در گذشته از کودکان کارگر خانگی بوده‌اند. بسیاری از این دختران بیشتر مورد سوءاستفاده جنسی اعضای خانواده‌ی کارفرمایان قرار گرفته‌اند (مواکیتوانگ، ۲۰۰۲)؛ و نویسنده مکاتبه‌کننده با سازمان غیردولتی (محل). در صورتی که دختران باردار شوند، معمولاً از خانه بیرون رانده شده و مجبور می‌شوند در خیابان‌ها سر کنند، زیرا [احساس] شرم از موقعیت، بازگشت به خانه را برای‌شان دشوار می‌سازد. بسیاری از خانواده‌ها از پذیرفتن این «دختران فاسد» سرباز می‌زنند، زیرا [در نظرشان] رفتار آن‌ها مایه‌ی ننگ و رسوایی خانواده شده است.

در این شرایط و از آنجایی که امکان انتخاب چندانی برای آن‌ها باقی نمی‌ماند، کار اجباری این دختران زمینه‌ساز [روی آوردن] به روسپیگری می‌شود (یونیسف-مرکز بین‌المللی رشد کودکان، ۱۹۹۹). قاچاقچیان معمولاً کودکان و خانواده‌های آن‌ها را فریب داده و به آن‌ها وعده‌ی شغل جذابی به عنوان کارگر خانگی می‌دهند. در فیلیپین، اکثر دختران و زنان جوانی که از نواحی روستایی به مانیل^{۱۲} قاچاق شده‌اند، وعده‌ی شغلی ثابت به عنوان کارگر خانگی را دریافت کرده‌اند. اما بسیاری از این موارد نهایتاً به تجارت جنسی منتهی می‌شوند (فلورس اوباندا و همکاران، ۲۰۰۱).

^۸. Restaveks

^۹. katulong

^{۱۰}. La pou sa

^{۱۱}. Creole

^{۱۲}. Manila

نگرش خود کودکان کارگر خانگی نسبت به مقوله‌ی خشونت نیز بسیار مهم است. ممکن است این کودکان، خود به دلایل مختلف خشونت را بپذیرند یا انتظار آن را داشته باشند. ممکن است این کودکان بیشتر مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشند؛ نسبت به والدین خود احساس وظیفه کنند و شرایط را تاب آورند؛ خشونت را به عنوان یکی از دشواری‌های شغلی خود بپذیرند و تا حد مشخصی آن را تحمل کنند؛ انتخاب دیگری در پیش روی خود نبینند؛ یا از عواقب ناشی از گزارش این خشونت‌ها بترسند (بلغ‌برو، ۲۰۰۳).

این کودکان، به جز خشونت، در معرض مخاطرات خانگی دیگری نیز قرار دارند. مواد شیمیایی مضر (مانند شوینده‌ها)، چاقوی آشپزخانه، اتو، آب جوش و استفاده از لوازم خانگی ناآشنا ممکن است جراحتهای زیادی را برای آنها به همراه داشته و حتی در برخی موارد سبب مرگ کودکان کم سن و سال یا کودکانی شود که به دلیل کار سخت بسیار خسته شده‌اند. همچنین، کم خوابی و در دسترس بودن شبانه‌روزی می‌تواند اثرات طولانی مدتی بر سلامتی کودکان داشته باشد. گاهی نیز کارهای سنگینی مانند آوردن مخازن آب، سبب آسیب دیدن کودکان می‌شود (یونیسف-مرکز بین‌المللی رشد کودکان، ۱۹۹۹).

دغدغه‌های موجود درباره‌ی تأثیر کار بر کودکان بیشتر متمرکز بر سلامت جسمی آنان بوده و در این میان سلامت روانی آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما در مورد کار خانگی کودکان که شرایط کاری در آن درست به اندازه‌ی خود کار اهمیت دارد، برای نیل به تصویری جامع از شرایط آن‌ها، درک اثرات روانی-اجتماعی به جای مانده بر کودکان، ضروری است (بلغ‌برو، ۲۰۰۸).

در یکی از محدود تحقیقات روان‌شناختی که در مورد کودکان کار خانگی در کنیا^{۱۳} انجام شد، مشخص شده است که شیوع مشکلات روان‌شناختی در کودکان کارگر خانگی بسیار بیشتر از سایر کودکان است (چه کودکانی که کار می‌کنند و چه کودکانی که مشغول کار نیستند). شباداراری، بی‌خوابی، کابوس، سردردهای مداوم، گوشه‌گیری، تسلیم و عقب‌نشینی، بلوغ زودرس، افسردگی و واکنش‌های هراس‌آلود به کارفرما، در میان کودکان کارگر خانگی شایع است (بویبو و اونیانگو، ۱۹۸۷). افسردگی نیز در بین کودکان کارگر خانگی در بنگلادش (رحمان، ۱۹۹۵) و کشورهای امریکای لاتین (سالازار، ۱۹۹۸) مشاهده شده است.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

کودکان کارگر خانگی گروهی از کودکان کار هستند که به وضوح آسیب‌پذیر بوده و مورد خشونت قرار می‌گیرند. با وجود این که تعداد کودکان کارگر خانگی زیاد است، اما شرایط آنها به سادگی نادیده گرفته می‌شود، زیرا بهره‌کشی از آنان امری پذیرفته‌شده است و پشت درهای بسته رخ می‌دهد. بهره‌کشی روزانه از میلیون‌ها کودک کارگر خانگی و این حقیقت که بسیاری از آن‌ها در شرایط بردگی به سر می‌برند، مقابله با این مشکل را برای سیاست‌گذاران و دیگر دست‌اندرکاران در اولویت بالایی قرار می‌دهد. گرچه در اینجا نمی‌توان تمام گزینه‌های پیش روی سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران را با جزئیات بررسی کرد، اما می‌توان بر اساس شواهد، توصیه‌هایی کلی ارائه کرد. این توصیه‌ها مبتنی بر

¹³. Kenya

تجربیات گسترده‌ی نهاد بین‌المللی مبارزه با برده‌داری بوده و در آن‌ها از دیدگاه‌های مقامات محلی و کودکان کار خانگی استفاده شده است (بلغ‌برو، ۲۰۰۸).

کاهش میزان انزوای کودکان کارگر خانگی و تبعیضی که در خانه‌ی کارفرما با آن مواجه می‌شوند، برای کاهش آسیب‌پذیری این کودکان و بهره‌کشی و سوءاستفاده از آنها عاملی حیاتی است. در این میان نباید اهمیت حفظ تماس با خانواده و سایر کودکان هم‌سن (جدای از کودکان کارفرمایان) را نادیده گرفت. تاسیس گروه‌های حمایتی محلی که کودکان کارگر خانگی، از هر رده‌ی سنی، بتوانند در آن‌ها از یکدیگر پشتیبانی کرده و برای بهبود شرایط کار و زندگی خود مبارزه‌ی جمعی کنند، باید مورد تشویق قرار گیرد.

به سادگی می‌توان از کارفرمایان کودکان کارگر خانگی هیولا ساخت، اما خود این کودکان عقیده دارند که بهترین راه حمایتی از کودکانی که به کار ادامه می‌دهند، این است که کارفرمایان، ترغیب به همکاری شوند. چه کودکان کارگر خانگی به زندگی با کارفرمایان و خانواده‌های خود کنار بیایند یا نه، برای تأمین نیازهای اولیه خود به آن‌ها وابسته بوده و از رفتار آنان تأثیر فراوان می‌پذیرند. نتیجه‌ی عملی طرد کارفرمایان این است که دسترسی به کودکان کارگر خانگی و حمایت از آنان دشوارتر می‌شود. گفته‌های کودکان کارگر خانگی و شواهد دیگر نشان می‌دهند که دسترسی به آموزش (چه در قالب آموزش مدرسه‌ای و چه آموزش فنی-حرفه‌ای) اهمیت بالایی برای آن‌ها دارد. مدارس باید خود را با واقعیت زندگی کودکانی که هم کار می‌کنند و هم درس می‌خوانند تطبیق دهند. آن‌ها باید امکانات لازم و حمایت‌های آموزشی را برای این کودکان فراهم آورده و امکان تحصیل را در اختیار آنها قرار دهند.

هرچند که استانداردهای قانونی بین‌المللی به مقوله‌ی کار خانگی کودکان توجه کرده‌اند، اما کماکان قوانین و مقررات داخلی در این زمینه ضعیف هستند، زیرا همه چیز در حوزه‌ی شخصی خانه‌ی کارفرما اتفاق می‌افتد. واضح است که قوانین به تنهایی مانع کار اجباری کودکان نمی‌شوند، اما لازم است حداقل استانداردهای حمایتی را در این زمینه ایجاد نمود تا مساله کودکان کارگر خانگی در فضای عمومی مطرح شود، شرایط آنان بهبود یابد، فرصتی برای جبران رفتار نادرستی که با آنها صورت گرفته، ایجاد شود و کودکان از کارفرمای بدرفتار خود خلاصی یابند. برای ایجاد تغییرات پایدار در زندگی کودکان کارگر خانگی، برای بهبودی زندگی این کودکان و تداوم آن، مداخله‌ی خود آنها به عنوان عامل تغییر، بسیار حیاتی است. کودکان کارگر خانگی راه‌هایی را برای کاستن از بهره‌کشی‌ها، سوءاستفاده‌ها و غلبه بر آنها پیدا کرده‌اند. سیاست‌گذاران و دیگر دست‌اندرکاران باید از این راه‌ها الهام گیرند. همچنین لازم است که زمینه‌ای ایجاد شود تا کودکان بتوانند دیدگاه‌های خود را درباره‌ی شرایطشان بیان کنند. این امر آنان را یاری می‌کند تا شرایط خود را بهبود داده و «رو به جلو» حرکت کنند. برای حصول اطمینان از مرتفع نمودن نیازهای این کودکان، می‌توان امکانی فراهم کرد که کودکان بزرگتر بتوانند خدماتی نظیر سازمان‌های کمک‌رسانی و خودیاری شکل داده [و در قالب آن] فعالیت کنند.

در نهایت، برای پیشرفت در محافظت از این کودکان در برابر چنین بهره‌کشی‌هایی، تغییرات بنیادین در نگرش کارفرمایان، والدین و در مقیاس وسیع‌تر، در جامعه ضروری است. انجام این کار آسان نیست، اما می‌توان فشار اجتماعی لازم را ایجاد کرد، چنان‌که این اتفاق هم اکنون نیز در برخی کشورها افتاده است. ایجاد بستری برای مطرح شدن

دیدگاه‌های کودکان کارگر خانگی، یکی از بهترین راه‌های تأثیرگذاری بر نگرش افرادی است که رفتارشان نیاز به تغییر دارد.

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Blagbrough, Jonathan (2008). *Child Domestic Labour: A Modern Form of Slavery*. CHILDREN & SOCIETY VOLUME 22, pp. 179–190

معرفی نویسنده:

جاناتان بلگ‌برو از سال ۱۹۸۹ تا کنون در زمینه مسائل کودکان کار فعالیت کرده است. وی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۶ مسئول برنامه‌ی کار کودک در نهاد بین‌المللی مبارزه با برده‌داری بود. عمده‌ی تمرکز وی در آن زمان بر شرایط کودکان کارگر خانگی بود. وی به انجام تحقیقات، سیاست‌گذاری، و لابی‌کردن با دولت‌ها و مؤسسات بین‌المللی در این زمینه اشتغال داشته است.

References

- ASI. 1997. *How To Prohibit Child Servitude and Child Slavery: What are the Characteristics Requiring Explicit Prohibition at the International Level?* Paper prepared for Amsterdam Child Labour Conference, February. Anti-Slavery International: London (Unpublished Mimeo).
- Black M. 1997. *Child Domestic Workers: A Handbook for Research and Action*. Anti-Slavery International: London.
- Black M. 2002. *Child Domestic Workers – Finding a Voice: A Handbook on Advocacy*. Anti-Slavery International: London.
- Black M. 2005. *Child Domestic Workers: A Handbook on Good Practice in Programme Interventions*. Anti-Slavery International: London.
- Blagbrough J. 1995. *Child Domestic Work in Indonesia: A Preliminary Situation Analysis*. ILO-IPEC: Geneva (Unpublished Mimeo).
- Blagbrough J. 2003. *Violence against Child Domestic Workers*. Paper presented at workshop titled Towards a Strategy to Address Corporal Punishment of Children in Southeast Asia Pacific, 6–9 October. Save the Children Alliance: Bangkok.
- Blagbrough J. 2008a. *They Respect Their Animals More: Voices of Child Domestic Workers*. Anti-Slavery International: London.
- Blagbrough J. 2008b. Child domestic labor In *Child Labor World Atlas: A Reference Encyclopaedia*. Hindman H (ed.). M.E. Sharpe: Armonk, NY.
- Bwibo NO, Onyango P. 1987. *Final Report of the Child Labour and Health Research*. University of Nairobi: Nairobi.
- Camacho AZV, Flores-Oebanda C, Montano V, Pacis RR, Robidillo R. 1997. *The Phenomenon of Child Domestic Work: Issues, Responses and Research Findings*. Paper presented at the Asian Regional Consultation on Child Domestic Workers, Manila, 19–23 November.
- Flores-Oebanda C, Pacis R, Montaña V. 2001. *The Kasambahay – Child Domestic Work in the Philippines: A Living Experience*, ILO and Visayan Forum Foundation: Manila. Available at <http://www.visayanforum.org> [Accessed 26 February 2008].
- ILO-IPEC. 2002. *Unbearable to the Human Heart: Child Trafficking and Action to Eliminate it*. ILO: Geneva. Available at <http://www.ilo.org/childlabour> [Accessed 3 October 2007].
- ILO-IPEC. 2004. *Helping Hands or Shackled Lives?: Understanding Child Domestic Labour and Responses to it*. ILO: Geneva.
- Kaye M. 2000. *Forced Labour in the 21st Century*. Anti-Slavery International & ICFTU: London.
- Miers S. 2003. *Slavery in the Twentieth Century: The Evolution of a Global Problem*. AltaMira Press: Walnut Creek, CA.
- Mwakitwange R. 2002. *Fighting Commercial Sexual Exploitation of Children: Study of Good Practices in Interventions in Tanzania*, Vol. III. ILO-IPEC: Dar es Salaam.
- National Coalition for Haitian Rights. 2002. *Restavèk No More: Eliminating Child Slavery in Haiti*. NCHR: New York. Available at http://www.nchr.org/hrp/restarvek/report_pr.htm [Accessed 26 February 2008].
- Rahman H. 1995. *Child Domestic Workers: Is Servitude the Only Option?* Shoishab Bangladesh: Dhaka.
- Salazar MC. 1998. Child work and education in Latin America. In *Child Work and Education: Five Case Studies from Latin America*. Salazar MC, Glasinovich WA (ed.). Florence and Ashgate Publishing Ltd: Aldershot, UK.
- UNICEF-ICDC. 1999. *Child Domestic Work. Innocenti Digest No. 5*. UNICEF International Child Development Centre: Florence. Available at <http://www.unicef-icdc.org> [Accessed 26 February 2008].